

بررسی روش تربیتی تشویق در آموزه‌های قرآن کریم و روایات

دادمحمد امیری^۱

امان الله الهی^۲

چکیده

تشویق یکی از مؤثرترین روش‌های تربیت اخلاقی برای ایجاد انگیزه در متربی، نسبت به کسب و پرورش فضایل اخلاقی است. آراسته شدن به فضایل اخلاقی مستلزم تن دادن به تکالیف و همراه با سختی است؛ اما این سختی را باید به طریقی کاست تا قبول تکالیف برای متربی آسان‌تر شود. یکی از روش‌هایی که به این کار می‌آید، ایجاد انگیزه است، با به‌کارگیری روش تشویق می‌توان انگیزه را در متربی ایجاد کرد و زمینه پذیرش تکالیف را برای او فراهم نمود. در این پژوهش پس از بررسی مفاهیم اصلی، با روش تحلیلی - توصیفی، ابتدا به تحلیل مبنای روان‌شناختی تشویق پرداخته شده، سپس شیوه‌های تشویق را بر اساس آیات قرآن کریم، سیره و روایات معصومان^(ع) بررسی نموده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که در تحلیل مبنای روش تربیتی تشویق، برخی آن را به «میل به محبت» باز می‌گردانند، برخی دیگر «لذت‌جویی» را پایه این روش می‌دانند و برخی معتقدند که مبنای این روش تربیتی حس حقیقت‌جویی انسان است. همچنین «توجه عاطفی»، «تشویق کلامی» و «تشویق عملی» سه شیوه تشویق است که از بررسی آیات قرآن کریم، سیره و روایات معصومان^(ع) به دست می‌آید.

کلیدواژه‌ها: تربیت، تشویق، تقویت، تحسین، توجه عاطفی، محبت

۱. دکترای تفسیر تطبیقی جامعه‌المصطفی العالمیه خراسان و پژوهشگر پژوهشکده بین المللی امام رضا علیه‌السلام
dma1359@gmail.com

۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد روان‌شناسی تربیتی جامعه‌المصطفی العالمیه خراسان.

مقدمه

تشویق در آموزه‌های اسلامی نقش ویژه‌ای در تربیت انسان دارد. تشویق‌های قرآنی گستره وسیعی دارد، هم به لحاظ کلمات که بدین منظور استفاده شده و هم به لحاظ افرادی که مورد تشویق قرار گرفته‌اند، هم از نظر مشوقان و هم متعلقات تشویق و پاداش‌های متعددی که برای افراد شایسته لحاظ شده است. به نظر می‌رسد، وجه مشترک همه این تشویق‌ها که به شیوه‌های گوناگون بیان شده، جنبه انگیزشی آن‌ها است. (مسعودی، ۱۳۹۹) اصولاً تشویق در روح و نهاد انسان اثر فوق‌العاده‌ای دارد و او را به انجام دادن کارهای نیک ترغیب می‌کند. خداوند سبحان در قرآن کریم از شیوه‌های تشویقی متفاوتی جهت هدایت و رشد انسان‌ها استفاده نموده است. برخی از روش‌ها مانند توجه عاطفی، شیوه‌های کلامی مانند تبشیر، تحسین و دعا در این نوشتار مورد بررسی قرار گرفته است. وجه مشترک همه این تشویق‌ها، که به شیوه‌های گوناگون بیان شده است، جنبه انگیزشی آن‌ها است. کسانی که مورد تشویق قرار بگیرد احساس آرامش و رضایت خاطر و اعتماد به نفس می‌کند و برای جدیت بیشتر و تحمل دشواری‌ها آماده می‌گردد. (اخلاقی، ۱۳۹۰)

۱. مفهوم‌شناسی

۱-۱. روش

روش در لغت به معنای سبک، طریق، قاعده و قانون، اسلوب، رسم و آیین گفته آمده است. (دهخدا، ۱۳۷۷، ۸: ۱۲۳۷) روش در اصطلاح علوم تربیتی به سه مفهوم اطلاق می‌گردد: «۱. مجموعه‌طرقتی که انسان را به کشف مجهولات و حل مشکلات هدایت می‌کند؛ ۲. مجموعه‌قواعدی که هنگام بررسی و پژوهش واقعیات باید به کار رود؛ ۳. مجموعه ابزارها و فنونی که آدمی را در مسیر رسیدن از مجهولات به معلومات راهبری می‌کند». (فرمهبینی فراهانی، ۱۳۹۰: ۳۲۷)

۱-۲. تربیت

از بررسی واژه تربیت در کتاب‌های لغت به دست می‌آید که این واژه با سه ریشه رَبَوَ



(ناقص)، رَبَّ (مضاعف) و رَبًّا (مهموز) در ارتباط است. بنابراین برای فهم بهتر این واژه لازم است معنای هر سه ریشه را بدانیم.

ریشهٔ ربو یا ربی (ناقص واوی یا یایی) در معانی رشد، نمو، افزایش یافتن، (فراهیدی، ۱۴۱۰، ۸: ۲۸۳؛ ازهری، بی‌تا، ۱۵: ۱۹۵) پرورش یافتن (دهخدا، ۱۳۷۷، ۸: ۱۱۹۰۲ و ۱۱۹۰۷) به کار رفته است.

ریشهٔ ربب (مضاعف) در معانی مالک و صاحب‌اختیار، اصلاح، سرپرستی و رهبری کردن، (ازهری، بی‌تا، ۱۵: ۱۲۸) مربی، مدبر، منعم (ابن منظور، ۱۴۱۴، ۱: ۳۹۹) رشد و نمو (زبیدی، ۱۴۱۴، ۲: ۶) به کار رفته است.

ریشهٔ ربأ (مهموز) در معانی اشراف داشتن، مکان مرتفع، محافظت و مراقبت، (فراهیدی، ۱۴۱۰، ۸: ۲۸۸) اصلاح (فیروزآبادی، بی‌تا، ۱: ۱۷) و همچنین رشد و نمو (ابن فارس، ۱۴۰۴، ۲: ۴۸۳؛ زبیدی، ۱۴۱۴، ۱: ۱۵۸) به کار رفته است.

در اینکه واژه تربیت از کدام ریشه مشتق شده و کدام یک از این سه ریشه اصلی و کدام فرعی است، دیدگاه واژه‌شناسان متفاوت است و نوعی احتمال و عدم قطعیت در کلمات واژه‌شناسان به چشم می‌خورد و رسیدن به نتیجهٔ قطعی، بررسی و تحقیق بیشتری را می‌طلبد؛ اما می‌توان گفت که معانی، «رشد»، «نمو»، «افزودن» و «پروراندن» تقریباً وجه مشترک بین این سه ریشه است که ارتباط مستقیم با تعریف اصطلاحی تربیت دارد.

دانشمندان حوزهٔ تربیت، تعریف‌های متعددی برای آن ارائه کرده‌اند؛ زیرا هرکس از زاویه‌ای به آن نگریسته و تعریفی خاص دارد. هر کدام از این تعریف‌ها، تجلی‌گاه مکتب‌های تربیتی متفاوتی است؛ به طوری که برخی در تعریف تربیت به اهداف اشاره دارند، برخی به فرایند تربیت و برخی نیز به روش‌ها توجه کرده‌اند. مهم‌ترین عناصری که در این تعریف‌ها به چشم می‌خورد، عبارت است از:

۱. تربیت عمل و فعالیت است؛ (ر.ک. داودی و حسینی زاده، ۱۳۸۹: ۱۰)
۲. تربیت عملی آگاهانه و هدف‌مند است؛ (پژوهشکدهٔ حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۴، ۱:

۳. تربیت یک جریان مستمر تدریجی و زمان‌مند است؛ (سیف، ۱۳۹۰: ۳۵)

۴. در فرایند تربیت انسان مختار است؛ (دولت، ۱۳۹۱: ۴۰)

۵. تربیت فراهم نمودن زمینه‌ها و عوامل به فعلیت رساندن استعدادهای فطری است.
 (مطهری، ۱۳۶۸، ۲۲: ۵۵۱)

باتوجه به عناصر ذکر شده، می‌توان تربیت را چنین تعریف کرد: «تربیت فعالیت هدف‌مند و فرایندی منظم و مستمر، به‌منظور فراهم‌کردن زمینه‌ها و عوامل به فعلیت رساندن استعدادهای فطری انسان در جهت رشد و تکامل اختیاری او در جنبه‌های گوناگون فردی، اجتماعی، عقلانی، جسمی، سیاسی، عاطفی، اخلاقی و... است».
 (ر.ک. امیری، ۱۳۹۴: ۱۳ تا ۲۰)

۳-۱. تشویق

واژه تشویق در زبان عرب از ماده «ش - و - ق» می‌باشد که به باب تفعیل رفته و اکنون در لغت به معنای آرزومند کردن، به شوق افکندن و راغب ساختن است (دهخدا، ۱۳۷۷، ۵: ۶۷۶۳؛ معین، ۱۳۸۸، ۱: ۱۰۸۸) و در اصطلاح به‌کار بستن راهکارهای تربیتی است که برای تثبیت یک رفتار و دلگرم‌شدن به ادامه و تکرار عمل مورد تشویق، صورت می‌گیرد. (داوودی، ۱۳۹۰، ۱۶۵)

ابن فارس می‌نویسد: «شین، واو و قاف بر تعلق و وابستگی چیزی نسبت به چیز دیگری دلالت می‌کند». (ابن فارس، ۱۴۰۴، ۳: ۲۲۹) فراهیدی، ابن منظور و زبیدی هم «کشیده شدن نفس آدمی به سوی امری» را به عنوان معنای این واژه ذکر کرده‌اند. (فراهیدی، ۱۴۱۰، ۵: ۱۸۴؛ ابن منظور، ۱۴۱۴، ۱۰: ۱۹۲؛ زبیدی، ۱۴۱۴، ۱۳: ۲۵۸)

از آنجا که ماده اصلی شوق به معنای «تمایل قلبی و شیفتگی» به باب تفعیل رفته و باب تفعیل برای متعدی کردن فعل به کار می‌رود، تشویق «ایجاد شوق و تمایل» را معنا می‌دهد. (آذرنوش، ۱۳۹۱: ۵۴۶) در لغت‌نامه‌های فارسی هم آرزومند کردن، به شوق افکندن و راغب ساختن برای معنای تشویق بیان شده است. (دهخدا، ۱۳۷۷، ۵: ۶۷۶۳؛ معین، ۱۳۸۸، ۱: ۱۰۸۸)



محققان و پژوهشگران با رویکرد دینی تعریف‌های اصطلاحی متعددی برای تشویق ارائه کرده‌اند، ولی در بین این تعریف‌ها، تعریف این جامع‌تر به نظر می‌رسد و مبنای این پژوهش قرار گرفته است: «تشویق به کار بستن راهکارهای تربیتی است که برای تثبیت یک رفتار و دلگرم شدن نسبت به ادامه و تکرار عمل مورد تشویق، صورت می‌گیرد». (داوودی، ۱۳۹۰: ۱۶۵)

۲. مبنای روان‌شناختی تشویق

در روش تربیتی تشویق، پس از آن که عمل نیکی از متربی مشاهده شد، برای تکرار و افزایش آن، متربی به نحوی مورد محبت قرار می‌گیرد تا انگیزه لازم برای تکرار و تثبیت آن عمل در او فراهم شود. برای این کار باید از چیزی که مطلوب و محبوب متربی است، استفاده کرد که از آن در روان‌شناسی به عنوان «تقویت» یاد می‌شود.

(سیف، ۱۳۹۱: ۱۶۸ و ۱۷۶ و ۲۵۲؛ ریموند، ۱۳۸۸: ۳۵ و ۳۷) مبنای روان‌شناختی

تشویق، مطابق نظریه شرطی‌سازی^۱ برآمده‌های زیر استوار است:

۱. هر پاسخی که با یک محرک تقویت‌کننده دنبال گردد، تکرار می‌شود و احتمال بروز آن

رفتار در شرایط همسان آتی افزایش می‌یابد. (سیف، ۱۳۹۱: ۱۷۷)

۲. تقویت‌کننده‌هایی را که ذاتاً خاصیت تقویت‌کنندگی دارند، تقویت‌کننده نخستین یا

غیرشرطی می‌نامند، سبب این خاصیت تقویتی آن است که نیازهای فیزیولوژیکی

ارگانیسم را برطرف می‌کند؛ مانند آب، غذا، هوا، خواب، فعالیت جنسی و غیره.

(همان: ۲۵۳)

۳. تقویت‌کننده‌های ثانوی یا شرطی آن‌هایی است که در اصل خاصیت تقویت‌کنندگی

ندارد؛ اما طبق قانون شرطی‌سازی پاسخگر، بر اثر مجاورت با تقویت‌کننده‌های

نخستین یا تقویت‌کننده‌های شرطی نیرومند، خاصیت تقویتی پیدا می‌کند. جایزه

نمره، مقام، مدرک، پول و نظایر آن‌ها تقویت‌کننده‌های ثانوی یا شرطی است. (همان)

۱. واضع شرطی‌سازی کنشگر بی‌اف اسکینر روان‌شناس معاصر آمریکایی است. اسکینر رفتارها را به دو دسته پاسخگر و کنشگر تقسیم‌بندی کرده است. رفتار پاسخگر به وسیله محرک‌های پیش‌آیند فراخوانده می‌شود و لذا حالت غیر ارادی دارد. رفتار کنشگر از ارگانیسم صادر می‌شود و لذا به آن رفتار ارادی می‌گویند. (سیف، ۱۳۹۱: ۱۷۶)

۴. اگر رفتاری را که با تقویتی افزایش یافته برای مدتی تقویت نکنیم، به تدریج از نیرومندی آن کاسته می‌شود و سرانجام به کلی متوقف می‌گردد که به آن «خاموشی» نیز می‌گویند. (همان: ۱۷۹)

۵. تقویت متناوب از تقویت پیوسته مؤثرتر است. اگر مربی هر بار پس از بروز رفتار مطلوب پاداش دهد، ناخواسته میزان احتمال وقوع آن، روبه‌کاهش می‌رود؛ اما اگر مرتباً به طور متناوب و نسبی پس از چند بار انجام دادن رفتار، پاداش بیابد، احتمال وقوع افزایش خواهد یافت. مؤثرتر آن است که در ابتدای یادگیری پیوسته باشد و پس از رسیدن به سطح رضایت‌بخش متناوب گردد. (دیلمی و آذربایجانی، ۱۳۸۰: ۲۱۵)

۶. در ابتدا تقویت‌کننده‌های اجتماعی مانند ستایش، تأیید و لبخند با تقویت‌کننده‌های ملموس به کار گرفته شود و سپس تقویت‌کننده ملموس حذف گردد. (همان)

در تحلیل مبنایی روش تربیتی تشویق، دیدگاه‌های متعددی وجود دارد. برخی آن را به «میل به محبت» باز می‌گردانند و معتقدند که ثمربخشی این روش، از آن روست که در انسان‌ها نوعی نیاز به محبت وجود دارد، انسان‌ها مایل‌اند که مورد محبت، تحسین و تمجید قرار گیرند. برخی دیگر «لذت‌جویی» را پایه این روش می‌دانند و می‌گویند یادگیری بر پایه لذت‌جویی استوار است و انسان به چیزهایی که برایش خوشایند باشد، پاسخ می‌دهد و از پاسخ‌هایی که برمی‌گزیند، آنکه با رضایت خاطر و پاداش همراه باشد، تقویت می‌گردد و شخص به این پاسخ پایبند می‌گردد. به نظر می‌رسد مبنای این روش تربیتی حس حقیقت‌جویی انسان باشد. انسان‌ها در جستجوی حقیقت هستند و وقتی دریافته‌اند که حقیقت و ثمره کارشان چیست، اعتقاد بیشتری حاصل می‌کنند و شوق به انجام آن عمل افزون شده و دست به تکرار عمل می‌زنند. در هر حال، تشویق به نحوی ارضاکننده نیازهای انسان است و موجب اعتقاد و اعتماد بیشتر شخص به نتیجه عمل فرد می‌شود و مشوق بیشتری برای انجام عمل در وی فراهم می‌آید. (حاجی ده‌آبادی، ۱۳۷۷: ۱۵۹)

باتوجه به تعریفی که از تشویق ارائه شد، توضیح این مطلب لازم است که تشویق



در اصطلاح تربیتی، با معنای عرفی آن متفاوت است. در معنای عرفی، تشویق به معنای انجام هرگونه عملی است که سبب ایجاد، یا افزایش رفتار در مرتبه گردد، در این صورت بشارت دادن نیز نوعی تشویق محسوب می‌شود؛ اما در اصطلاح تربیتی باید بین آن‌ها تفاوت قائل شد، هر چند که در برخی از کتاب‌ها به این نکته توجهی نشده است. برای روشن شدن فرق تشویق با بشارت، ابتدا تشویق را در زبان فارسی بررسی می‌کنیم، تشویق در زبان فارسی در دو معنا به کار می‌رود:

الف. کاری که بعد از عمل مطلوبی انجام می‌شود تا فرد مذکور به ادامه عمل و تکرار آن دلگرم شود. این معنا دقیقاً معادل تقویت در روان‌شناسی رفتارگرایی است. (داوودی، ۱۳۹۰: ۱۶۵)

ب. کاری که انجام می‌شود تا فرد را برای انجام یا استمرار عمل مطلوب، ترغیب و دلگرم سازد، خواه قبل از انجام عمل باشد یا بعد از آن. (همان) تشویق به معنای دوم، با بشارت و وعده دادن مترادف است.

در زبان عربی تشویق فقط در معنای دوم به کار می‌رود و برای رساندن معنای اول از لفظ جزا (پاداش) استفاده می‌شود. درست است که جزا در پاداش و کیفر هر دو به کار می‌رود؛ اما در جایی که این دو باهم به کار رفته باشد، به قرینه عقوبت، مراد از آن تنها پاداش است. بنابراین بشارت و وعده دادن به روش‌های اطلاق می‌شود که فرد را برای انجام کاری که هنوز به آن اقدام نکرده آماده می‌کند؛ یعنی در بشارت و وعده دادن عمدتاً توجه به سوی عملی است که انجام نشده است در حالی که در تشویق به معنای پاداش توجه عمدتاً به سوی عملی است که انجام شده است. (همان)

در مقایسه تشویق با بشارت، می‌توان گفت تأثیر تشویق سریع‌تر از روش بشارت است؛ اما از سوی دیگر، کسی که روحیه پذیرش بشارت را دارد، از پختگی ویژه‌ای برخوردار است؛ زیرا حرکت کردن با روش بشارت، مستلزم نوعی کف‌نفس و آینده‌بینی است. لذا هرگاه فرد در سنین پایین باشد، باید دامنه بشارت برای او کوتاه‌تر باشد. بهره‌گرفتن از بشارت‌ها و وعده‌های بلنددامنه در مورد کسانی میسر است



که دوران کودکی را پشت سر گذاشته و به میزان مطلوبی از کف‌نفس و آینده‌بینی دست‌یافته باشند.

۳. شیوه‌های تشویق در قرآن کریم و روایات

۱-۳. توجه عاطفی

توجه عاطفی یکی از شیوه‌های تشویق است که متربی را در احساس عمیق عزت‌نفس و کرامت فرومی‌برد؛ زیرا هر انسانی بر اثر حبّ ذات، به دریافت توجه و محبت دیگران، نیازمند است. نگاه محبت‌آمیز، لبخند زدن، احترام و هرگونه احساس تأیید و مهر و ملاحظت از طرف مربی، نوعی تشویق محسوب می‌شود. این نوع تشویق را می‌توان در سوره حجر و شعرا مشاهده کرد که خداوند از رسول اکرم^ص می‌خواهد که برای مؤمنان بال‌های لطف و رحمت را بگشاید:

وَ اخْفِضْ جَنَاحَكَ لِمُؤْمِنِينَ؛ (حجر: ۸۸) و بال (عطوفت) خود را برای مؤمنین فرود آر.

وَ اخْفِضْ جَنَاحَكَ لِمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ؛ (شعراء: ۲۱۵) و بال‌وپر خود را برای مؤمنانی که از تو پیروی می‌کنند بگستراند.

در این آیات محبت و فروتنی را به گستردن بال پرنده تشبیه شده است. همان‌گونه که پرنده وقتی می‌خواهد نسبت به جوجه‌هایش اظهار محبت کند، آن‌ها را زیر بال‌وپر خود می‌گیرد و هیجان‌انگیزترین صحنه عاطفی را مجسم می‌کند. آن‌ها را از حوادث، هجوم دشمن و از پراکندگی حفظ می‌کند. خداوند متعال با این تشبیه زیبا از پیامبرش^ص می‌خواهد که با مؤمنانی که از سیره و منش او پیروی کردند، فروتنی کند و آنان را زیر بال خود از خطر حوادث، تفرقه‌ها و دشمنان حفظ کند. چنین برخوردی با مؤمنان باعث تثبیت و پرورش ایمان آنان خواهد بود. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۱۵: ۳۶۷)

این روش تربیتی را در سیره معصومان^ع نیز می‌توان مشاهده کرد. مطالعه زندگی برخی یاران و شاگردان امام صادق^ع و تعبیرات بسیار زیبایی که آن حضرت در حضور



یا در غیاب آن‌ها می‌فرمود، به خوبی نشانگر آن است که حضرت چه حد آنان را تشویق عاطفی می‌کرده است. در میان یاران امام صادق^(ع) شاگردان جوانی حضور داشتند. یکی از این جوانان هشام بن الحکم بود که به گفته شیخ مفید چنان در نزد امام مقام و منزلت داشت که گاهی برخی را به شگفتی وامی‌داشت. نقل شده که «روزی هشام بن حکم بر آن حضرت وارد شد در حالی که تازه جوانی بیش نبود و در آن مجلس بزرگان شیعه مثل یونس بن یعقوب، حمران بن اعین و ابوحمزه احول حضور داشتند. در حالی که از تمامی حاضران کوچک‌تر بود، امام صادق^(ع) او را بر همگان مقدم داشت. همین که امام دریافت که احترام به هشام بر حضار گران آمده، فرمود این جوان با قلب، زبان و دستش یاری‌کننده ما است». (نوری، ۱۴۰۸، ۵: ۴۴۹) به‌کارگیری روش تربیتی تشویق در قالب نگاه محبت‌آمیز، لبخندزدن و هرگونه احساس تأیید و مهر و ملاحظتی که از سر عشق و علاقه به انسان‌ها برخیزد، کافی است انسانی را به حرکت درآورد و در صف بلال و سلمان نشانند.

۲-۳. تشویق کلامی

یکی از متداول‌ترین تشویق‌ها، تشویق کلامی است. تعریف و تمجید، دعا و تشکر و قدردانی زبانی، از وسایل و ابزار ساده‌ای است که می‌توان برای تثبیت و گسترش رفتارهای اخلاقی استفاده کرد. تشویق کلامی به گونه‌های مختلفی در قرآن به کار رفته است که به سه مورد اشاره می‌کنیم:

۱-۲-۳. اظهار محبت

انسان‌ها بر حسب فطرت و سرشت ذاتی، دوستدار محبوبیت و احترام هستند. از این رو توجه عاطفی دیگران، متربی را در احساس عمیق عزت‌نفس و کرامت فرومی‌برد و او را در انجام عمل مطلوب مصمم‌تر می‌کند. اظهار محبت ممکن است به شیوه‌های گوناگونی انجام شود؛ اما اینجا منظور شیوه کلامی است که قرآن کریم از این شیوه تشویقی برای تربیت اخلاقی انسان‌ها استفاده کرده است. به‌عنوان مثال قرآن کسانی را که آراسته به فضایل اخلاقی هستند، محبوب خداوند سبحان خوانده است. مانند پاکیزگان، (بقره: ۲۲۲؛ توبه: ۱۰۸) توبه‌کنندگان، (بقره: ۲۲۲) صابران، (آل عمران: ۱۴۶)

عدالت‌پیشگان، (مائده: ۴۲؛ حجرات: ۹؛ ممتحنه: ۸) تقوایپیشگان، (آل عمران: ۷۶؛ توبه: ۴ و ۷) متواضعان، (مائده: ۵۴) متوکلان، (آل عمران: ۱۵۹) احسان‌کنندگان (بقره: ۱۹۵؛ آل عمران: ۱۳۴ و ۱۴۸؛ مائده: ۱۳ و ۹۳) و اطاعت‌کنندگان از پیامبر. (آل عمران: ۳۱)

۲-۲-۳. تحسین

تحسین به معنای آفرین گفتن، نیکو شمردن، به نیکی نسبت‌دادن، تعریف و تمجید است. (دهخدا، ۱۳۷۷، ۵: ۶۴۷۹؛ معین، ۱۳۸۸، ۱: ۱۰۳۸) وقتی مربی را تحسین می‌کنیم، روحیه امیدوارانه‌ای در او پدید می‌آید که می‌کوشد آن رفتار را تکرار کند تا از تحسین و تمجید مربی برخوردار شود. از این رو تحسین و تمجید را باید از عوامل مهم تقویت و افزایش رفتارهای اخلاقی دانست خداوند سبحان در قرآن کریم خلق خوی رسول اکرم^ص را ستوده می‌فرماید:

وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ؛ (قلم: ۴) و تو اخلاق عظیم و برجسته‌ای داری.

خداوند متعال در این آیه، اخلاق برجسته پیامبر اکرم^ص را می‌ستاید؛ اخلاقی که عقل در آن حیران است، لطف و محبتی بی‌نظیر، صفا و صمیمیتی بی‌مانند، صبر و استقامت و تحمل و حوصله‌ای توصیف‌ناپذیر شایسته چنین ستایشی است.

در قرآن کریم از حضرت سلیمان، حضرت ایوب و حضرت ابراهیم^ع نیز به نیکی یاد شده است. این مطلب نیز اشاره به تشویق کلامی دارد:

وَ هَبْنَا لِدَاوُدَ سُلَيْمَانَ نِعْمَ الْعَبْدُ إِنَّهُ أَوَّابٌ؛ (ص: ۳۰) ما سلیمان را به داوود بخشیدیم،

چه بنده خوبی؛ زیرا همواره به‌سوی خدا بازگشت می‌کرد (و به یاد او بود).

وَ خُذْ يَدَ يَدِكَ ضِغْثًا فَاضْرِبْ بِهِ وَلَا تَحْنُثْ إِنَّهَا وَجَدْنَاهُ صَابِرًا نِعْمَ الْعَبْدُ إِنَّهُ أَوَّابٌ؛ (ص: ۴۴) [و به او گفتیم]: بسته‌ای از ساقه‌های گندم [یا مانند آن] را بگیر و [همسرت را] با آن بزن و سوگند خود را مشکن! ما او را شکیبایافتیم. چه بنده خوبی که بسیار بازگشت‌کننده [به‌سوی خدا] بود.

إِنَّ إِبْرَاهِيمَ لَحَلِيمٌ أَوَّاهٌ مُنِيبٌ؛ (هود: ۷۵) همانا ابراهیم، بردبار و دلسوز و بازگشت‌کننده [به‌سوی خدا] بود.



ائمه اطهار نیز از این شیوه تشویق استفاده می‌کردند. امام محمدباقر^(ع) به نقل از پدر بزرگوارش درباره تحسین و تمجید می‌فرماید: «پدرم هنگامی که جوانان جویای دانش را می‌دید، آنان را نزد خود فرامی‌خواند و می‌فرمود: آفرین بر شما باد! شما ذخیره‌هایی دانش، اکنون کودکان طایفه هستید، ولی به‌زودی از بزرگان و دست‌اندرکاران قبیله خواهید شد». (شامی، ۱۴۲۰: ۵۸۷) در روایت دیگری آمده است: «عَطَسَ غُلَامٌ لَمْ يُلْغِ الْحُلْمَ عِنْدَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِرَبِّكَ أَنْ تَجْعَلَ لِي فِي هَذِهِ الْأُمَّةِ مِثْلَ أَبِيكَ» (بارك الله فيك) و او را با گفتار خویش تشویق نمود». (کلینی، ۱۴۰۷، ۲: ۶۵۵)

در تحسین باید توجه داشت که نباید از حد تجاوز کرد؛ زیرا ممکن است باعث غرور در مرتبی شود. حضرت علی^(ع) در این باره می‌فرماید: «التَّئِبُ بِأَكْثَرٍ مِنَ الْإِسْتِحْقَاقِ مَلَقٌ؛ ستایش بیش از استحقاق چالوسی است». (نهج البلاغه، ح ۳۴۷)

۳-۲-۳. دعا کردن

یکی دیگر از شیوه‌های تشویق کلامی در قرآن کریم دعا کردن برای مرتبی است، دعا کردن مربی (پدر، مادر، معلم و...) باعث دلگرمی مرتبی می‌شود و او را به ادامه رفتار شایسته مصمم می‌سازد. خداوند سبحان از پیامبرش می‌خواهد پس از گرفتن زکات، مؤمنان را دعا کند:

خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا وَصَلِّ عَلَيْهِمْ إِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ؛ (توبه: ۱۰۳) از اموال آن‌ها صدقه‌ای [به‌عنوان زکات] بگیر تا به‌وسیله آن، آن‌ها را پاک‌سازی و پرورش دهی! و [به هنگام گرفتن زکات] به آن‌ها دعا کن که دعای تو مایه آرامش آن‌ها است و خداوند شنوا و دانا است.

واژه «صل» از «صلاة» به معنای دعا است، (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۹: ۳۷۷) از این آیه می‌آموزیم که در برابر انجام وظیفه‌های واجب، مانند زکات نیز از مردم تشکر کنیم و از طریق معنوی و روانی آنان را تشویق نماییم؛ زیرا تشویق، سنگینی تکلیف را سبک می‌کند و سبب آرامش روحی مردم می‌شود. وقتی مردم می‌بینند که اگر در



ظاهر چیزی از دست داده‌اند؛ اما بهتر از آن را به صورت معنوی به دست آورده‌اند. در احادیث آمده است که وقتی مردم زکات خود را خدمت پیامبر اکرم (ص) می‌آوردند، خضرت آنان را دعا می‌کرد. (طبرسی، ۱۳۷۲، ۵: ۱۰۳) و می‌فرمود: خدا به مالت خیر و برکت بدهد. (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۹: ۳۷۷)

۳-۳. تشویق عملی

از دیگر شیوه‌های تشویق، تشویق عملی است. از مصادیق این شیوه، می‌توان به جایزه دادن، هدیه و مانند آن، اضافه کردن نمره یا حقوق و دستمزد، به گردش و تفریح بردن، اجازه بازی دادن یا بیرون رفتن با دوستان و غیر این‌ها، اشاره کرد که به تناسب موقعیت می‌توان آن‌ها را به کار بست. (دیلمی و آذربایجانی، ۱۳۸۰: ۲۱۷)

در سیره پیامبر اکرم (ص) و ائمه اطهار (ع) این شیوه تشویق خصوصاً پاداش‌های مالی و مادی، جایگاه ویژه‌ای داشته است. نقل شده که ائمه اطهار (ع) پس از مشاهده عمل نیک از يك نفر، به او هدیه‌ای می‌دادند. چنانکه در مورد امام رضا (ع) نسبت به دعبل خزاعی نقل شده که پس از آنکه قصیده‌اش را خواند، حضرت ده‌هزار درهم به او داد. (ابن بابویه، ۱۳۷۸، ۲: ۱۴۲) نمونه دیگر در سیره امام حسین (ع) است که یکی از فرزندان آن حضرت نزد معلمی به نام عبدالرحمان در مدینه سوره حمد را به او آموخته بود. «إِنَّ عَبْدَ الرَّحْمَنِ السُّلَمِيَّ عَلَّمَ وَلَدَ الْحُسَيْنِ الْحَمْدَ فَلَمَّا قَرَأَهَا عَلَى أَبِيهِ أَعْطَاهُ أَلْفَ دِينَارٍ وَ أَلْفَ حَلِيٍّ وَ حَشَا فَاهُ دُرًّا قَفِيلَ لَهُ فِي ذَلِكَ فَقَالَ وَ أَيْنَ يَقَعُ هَذَا مِنْ عَطَائِهِ يَعْنِي تَعْلِيمَهُ؛ هنگامی که فرزند آن حضرت سوره را برای پدر قرائت کرد، حضرت معلم را فراخواند و هزار دینار و هزار حله به او پاداش داد. وقتی به اعتراض شد که این پاداش پاداش خیلی زیاد است، فرمود: «هدیه من کجا با تعلیم حمد برابر است». (نوری، ۱۴۰۸، ۱۳: ۱۱۷)

روش تشویق زمانی نتیجه‌بخش است که بر اساس اصول دقیق اعمال شود. در غیر این صورت نه تنها اثر تربیتی مطلوب از آن‌ها حاصل نخواهد شد، بلکه فرایند تربیت را دچار مشکل خواهد کرد. در ادامه به مهم‌ترین اصول حاکم بر تشویق اشاره می‌کنیم:



۱. در تشویق باید کار و عمل نیک فرد را مورد تشویق قرار گیرد نه خود فرد. متربی باید خوب این معنا را درک کند که تشویق او به سبب کار و صفت اخلاقی ارزشمند او است تا در تکرار و تثبیت آن بکوشد. بدین منظور باید علت تشویق را بیان کنیم تا متربی بفهمد که به چه منظور تشویق شده است. (حاجی ده آبادی، ۱۳۷۷: ۶۰ و ۶۱)

در سیره پیامبر اعظم (ص) می‌خوانیم که آن حضرت وارد مسجدی شد. دو گروه را در مسجد دید که یکی به عبادت و دیگری به تعلیم و تعلم و فقاقت مشغول است. حضرت از هر دو گروه تمجید کرد؛ اما چون مجلس علمی، کاری بس با اهمیت است و زمینه بسیاری از رفتارهای صواب دیگر را فراهم می‌سازد، تشویقی ویژه می‌خواهد. لذا حضرت با بیان این نکته که من برای تعلیم انسان‌ها فرستاده شده‌ام، از بین دو مجلس، مجلس تعلیم و تعلم را بر می‌گزیند و در جمع آن‌ها حضور می‌یابد. (مجلسی، ۱۴۰۳، ۱: ۲۰۶) مفاد سخن پیامبر اکرم^۱ این است که صرف حضور در آن مجلس یا شخص آن‌ها ارزشمند نیست، بلکه کار آن‌ها ارزشمند است.

۲. تشویق باید با ارزش کار متربی متناسب باشد. در برابر یک فعالیت کوچک و کم‌اهمیت فرد، نباید تشویق‌های بزرگ شود. پاداش‌های بزرگ باید در برابر کارهای بزرگ باشد. بهتر است پاداش‌ها همگام با موفقیت‌های تدریجی متربی، ترقی کند. (امینی، ۱۳۸۷: ۴۳۵)

۳. تشویق باید بلافاصله بعد از انجام فعل مطلوب صورت گیرد تا تأثیر مشخص و مفیدی داشته باشد. فاصله میان رفتار مطلوب و پاداش، اثربخشی آن را کم می‌کند. (حسینی، ۱۳۸۵، ۱: ۱۲۵)

۴. تعریف و تمجید باید به صورت جزئی باشد، نه به صورت کلی. این درست نیست که به متربی بگوییم: چون فرد خوبی هستی تشویق می‌شوی یا بگوییم: چون کاملاً راست‌گو هستی، بلکه بهتر است بگوییم: چون فلان عمل خوب را انجام دادی، تشویق می‌شوی. یا بگوییم: تاکنون دروغی از تو نشنیده‌ایم. همچنین بهتر است هنگام تعریف از عمل نیک متربی، به ظرافت‌ها و زیبایی‌های عمل او نیز اشاره

کنیم. (امینی، ۱۳۸۷: ۴۳۳)

۵. در تشویق نباید زیاده‌روی کرد؛ زیرا ممکن است موجب غرور و خودبزرگ‌بینی متربی شود. (همان) امام علی^(ع) در این باره فرمود: «رَبُّ مَفْتُونٍ بِحُسْنِ الْقَوْلِ فِيهِ؛ چه بسا فردی که در اثر تعریف و تمجید به غرور مبتلا شده است» (لیثی واسطی، ۱۳۷۶: ۲۶۸) و فرمود: «إِذَا مَدَّحْتَ فَأَخْتَصِرْ؛ وقتی کسی را ستایش می‌کنی مدح او را کوتاه کن». (آمدی، ۱۴۱۰: ۴۶۶)

همچنین این نکته را باید در نظر داشت که در مدح و ستایش متربی، از مرز واقع و مقدار استحقاق نباید تجاوز کرد و به غلو اغراق‌گویی پرداخت؛ زیرا متربی از واقعیت خود خبر دارد و خود را مستحق آن مقدار از مدح را نمی‌داند. در نتیجه به ستایش‌کننده بدبین می‌شود و ستایش او را تملق‌گویی می‌پندارد و احياناً تملق‌گویی را از او یاد می‌گیرد. حضرت امام علی^(ع) می‌فرماید: «النَّاءُ بِأَكْثَرِ مِنَ الْإِسْتِحْقَاقِ مَلَقٌ وَ التَّقْصِيرُ عَنِ الْإِسْتِحْقَاقِ عِى أَوْ حَسَدٌ؛ ستایشی که بیش از مقدار استحقاق باشد تملق‌گویی است و اگر کمتر از مقدار استحقاق باشد، از ناتوانی گوینده یا حسد او حکایت دارد». (نهج البلاغه، ح ۳۴۷) نیز فرمود: «إِياک أن تثنی علی أحد بما لیس فیہ فإنَّ فعله یصدق عن وصفه و یکذبک؛ مبادا کسی را ستایش کنی به چیزی که در او نیست؛ زیرا کار او صفتش را تصدیق می‌کند و تو را تکذیب می‌نماید». (آمدی، ۱۴۱۰: ۱۷۱)

۶. در موقع تشویق نباید او را با دیگران مقایسه کرد؛ زیرا جنبهٔ بدآموزی می‌یابد. (دیلمی و آذربایجانی، ۱۳۸۰: ۲۱۸)

۷. تشویق و تحسین در حضور جمع تأثیر بیشتری دارد؛ زیرا دیگران را هم برمی‌انگیزد. (همان)

۸. به این نکته باید توجه داشت که تشویق‌های مکرر و یکسان به مرور زمان تأثیر خود را از دست می‌دهد و برای فرد، عادی جلوه می‌کند. لذا مربی همواره باید، انواع تشویق‌ها را در اختیار داشته باشد و از تشویق‌های متعدد استفاده کند؛ زیرا تشویق ارضاکنندهٔ نیازهای آدمی است. طبیعتاً وقتی نیازی ارضا شد، دیگر حالت روانی و



درونی لازم وجود ندارد. علاوه بر این تشویق‌های مکرر و غیریکسان نیز حالت رشوه به خود می‌گیرد و فرد عادت می‌کند که در ازای هر رفتار و عملی به او پاداش داده شود و در غیر این صورت، از انجام کار طفره می‌رود. بنابراین بهترین شیوه تشویق، تشویق گاه‌گاه‌ی و غیریکسان است. (شکوہی یکتا، ۱۳۸۴: ۱۶۱)

نتیجه‌گیری

تشویق نقش مؤثری در ایجاد انگیزه در مربی، نسبت به کسب و پرورش فضایل اخلاقی دارد. در تحلیل مبنای روش تربیتی تشویق، برخی آن را به «میل به محبت» باز می‌گردانند و معتقدند که ثمربخشی این روش، از آن روست که در انسان‌ها نوعی نیاز به محبت وجود دارد، انسان‌ها مایلند که مورد محبت، تحسین و تمجید قرار گیرند. برخی دیگر «لذت‌جویی» را پایه این روش می‌دانند و می‌گویند یادگیری بر پایه لذت‌جویی استوار است و انسان به چیزهایی که برایش خوشایند باشد، پاسخ می‌دهد و از پاسخ‌هایی که برمی‌گزیند، آنکه با رضایت خاطر و پاداش همراه باشد تقویت می‌گردد و شخص به این پاسخ پایبند می‌گردد. به نظر می‌رسد مبنای این روش تربیتی حس حقیقت‌جویی انسان باشد. انسان‌ها در جستجوی حقیقت هستند و وقتی دریافته‌اند که حقیقت و ثمره کارشان چیست، اعتقاد بیشتری بر ایشان حاصل می‌گردد و شوق به انجام آن عمل افزون‌گشته، دست به تکرار عمل می‌زنند.

از بررسی آیات قرآن کریم، سیره و روایات معصومان علیهم‌السلام سه شیوه ذیل درباره روش تربیتی تشویق به دست می‌آید:

۱. **توجه عاطفی:** توجه عاطفی یکی از شیوه‌های تشویق در آموزه‌های قرآن کریم است که مربی را در احساس عمیق عزت‌نفس و کرامت فرومی‌برد؛ زیرا هر انسانی بر اثر حب ذات، به دریافت توجه و محبت دیگران، نیازمند است.
۲. **تشویق کلامی:** تشویق کلامی یکی شیوه تشویق در قرآن کریم است. تعریف و تمجید، دعا و تشکر و قدردانی زبانی، ابراز محبت، از وسایل و ابزار ساده‌ای است که می‌تواند برای تثبیت و گسترش رفتارهای اخلاقی استفاده شود.

۳. تشویق عملی: در روایات و سیره معصومان^(ع) تشویق عملی است. از مصادیق این شیوه می‌توان به دادن جایزه، هدیه و مانند آن، اضافه کردن نمره یا حقوق و دستمزد، به گردش و تفریح بردن، اجازه بازی دادن یا بیرون رفتن با دوستان و غیر این‌ها، اشاره کرد. در سیره معصومین^(ع) این شیوه تشویق خصوصاً پاداش‌های مالی و مادی جایگاه ویژه‌ای داشته است.



فهرست منابع

قرآن کریم نهج البلاغه

۱. ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۳۷۸ق)، *عیون اخبار الرضا*، چ ۱، تهران: نشر جهان.
۲. ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۱۴ق)، *لسان العرب*، چ ۳، بیروت: دار صادر.
۳. احمد بن فارس بن زکریا ابوالحسین، (۱۴۰۴ق)، *معجم مقائیس اللغة*، ج ۲، چ ۱، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۴. اخلاقی، عبدالرحیم (۱۳۹۰)، «نگاهی به روش تشویق در ایجاد انگیزه از دیدگاه قرآن»، اسلام و پژوهش های مدیریتی سال اول، شماره ۱.
۵. ازهری، محمد بن احمد (بیتا)، *تهذیب اللغة*، چ ۱، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۶. امیری، دادمحمد (۱۳۹۴)، *تربیت اخلاقی از دیدگاه قرآن کریم*، چ ۱، قم: مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی.
۷. امینی، ابراهیم، (۱۳۸۷)، *اسلام و تعلیم و تربیت*، چ ۳، قم: بوستان کتاب.
۸. آذرنوش، آذرتاش، (۱۳۹۳)، *فرهنگ معاصر عربی-فارسی: بر اساس فرهنگ عربی - انگلیسی هانسور*، چ ۱۴، تهران: نشر نی.
۹. پژوهشکده حوزه و دانشگاه، (۱۳۸۴)، *درآمدی بر تعلیم و تربیت اسلامی (فلسفه تعلیم و تربیت)*، چ ۱، ج ۱، تهران: سمت.
۱۰. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، (۱۴۱۰ق)، *غرر الحکم و درر الکلم*، چ ۲، قم: دارالکتاب الإسلامی.
۱۱. حاجی بابائیان امیری، محسن، (۱۳۸۸)، *روش های تربیت اخلاقی کاربردی در اسلام (با تأکید بر دوره نوجوانی و جوانی)*، چ ۱، تهران: سروش.





۱۲. حاجی ده آبادی، محمدعلی، (۱۳۷۷)، *درآمدی بر نظام تربیتی اسلام*، چ ۱، قم: مرکز جهانی علوم اسلامی.
۱۳. حسینی داود، (پاییز ۱۳۸۵)، «اصول حاکم بر روش تشویق و تنبیه در تربیت اخلاقی» راه تربیت، ش ۱.
۱۴. داوودی، محمد، (۱۳۹۰)، *اخلاق اسلامی (مبانی و مفاهیم)*، قم: دفتر نشر معارف.
۱۵. داوودی، محمد، حسینی زاده، سید علی، (۱۳۸۹)، *سیره تربیتی پیامبر و اهل بیت %*، چ ۱، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۱۶. دولت، محمدعلی، (۱۳۹۱)، *مبانی انسان‌شناختی و غایت‌شناختی تربیت در قرآن و حدیث*، چ ۱ تهران: پارس کتاب.
۱۷. دهخدا، علی اکبر، (۱۳۷۷)، *لغت‌نامه دهخدا*، چ ۲، تهران: دانشگاه تهران.
۱۸. دیلمی، احمد، آذربایجانی، مسعود، (۱۳۸۰)، *اخلاق اسلامی*، چ ۲ قم: دفتر نشر معارف.
۱۹. ریموند، میلتن برگر، (۱۳۸۸)، *شیوه‌های تغییر رفتار*، (ترجمه: علی فتحی آشتیانی، هادی عظیمی آشتیانی)، چ ۱۱، تهران: سمت.
۲۰. زبیدی، محمد بن محمد مرتضی، (۱۴۱۴)، *تاج العروس من جواهر القاموس*، چ ۱، بیروت: دار الفکر.
۲۱. سیف، علی اکبر، (۱۳۹۰)، *روان‌شناسی پرورشی نوین*، چ ۱۱، تهران: دوران.
۲۲. سیف، علی اکبر، (۱۳۹۱)، *تغییر رفتار و رفتاردرمانی نظریه‌ها و روش‌ها*، چ ۱۶، تهران: دوران.
۲۳. شامی، یوسف بن حاتم، (۱۴۲۰ق)، *الدرالمنظیم فی مناقب الأئمة اللهامیم*، چ ۱، قم: جامعه مدرسین.
۲۴. شکوهی یکتا، محسن، (۱۳۸۴)، *تعلیم و تربیت اسلامی (مبانی و روش‌ها)*، بی‌جا: نشر ایران.



۲۵. طباطبایی، سید محمدحسین، (۱۴۱۷ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، چ ۵، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۶. طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۲)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، چ ۳، تهران: ناصر خسرو.
۲۷. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۰ق)، کتاب العین، چ ۲، قم: هجرت.
۲۸. فرمهبنی فراهانی، محسن، (۱۳۹۰)، فرهنگ توصیفی علوم تربیتی، تهران: شباهنگ.
۲۹. فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، (بی تا)، القاموس المحیط، چ ۱، بیروت: دارالکتب العلمیة.
۳۰. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، (۱۴۰۷ق)، اصول کافی، چ ۴، تهران: دارالکتب الإسلامیة.
۳۱. لیثی واسطی، علی بن محمد، (۱۳۷۶)، عیون الحکم و المواعظ، چ ۱، قم: دارالحديث.
۳۲. مجلسی، محمد باقر، (۱۴۰۳ق)، بحار الأنوار، چ ۲، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳۳. مسعودی، اکرم، (۱۳۹۹)، «شیوه های تشویق در قرآن کریم»، اولین همایش قرآن و روان شناسی.
۳۴. معین، محمد، (۱۳۸۸)، فرهنگ معین، چ ۲۶، تهران: امیرکبیر.
۳۵. مکارم شیرازی و همکاران، ناصر، (۱۳۷۴)، تفسیر نمونه، چ ۱، تهران: دارالکتب الإسلامیة.
۳۶. نوری، حسین، (۱۴۰۸ق)، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، چ ۱، قم: مؤسسه آل البيت^(ع).

